



تنگناهای رشدیابی رویه جمعیت

جمعیت‌شناسی فرگشت‌وار ما، مانند دیگر شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی و حتی بسیار کمتر از آن، به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است. این شاخه از جهتی به دلیل آن باشد که از لحاظ قدمت، جمعیت‌شناسی، نسبت به دیگر علوم اجتماعی که خود حکم نوزادی را در برابر دیگر علوم دارند به منزله نوزادی جدید الویلا است. با اینهمه، هیچ یک از این مسائل و نویسین علم، طرح نشدن آن، کمبود منابع مربوط به آن و غیره - حتی فدای آن اهمیت جمعیت‌شناسی نمی‌کند. شناخت جمعیت و مسائل مربوط به آن از آنجا که لحظه لحظه عمر میپایزده انسان موجود روی زمین و درها میپایزده انسان دیگر که از طایفه انسانی بعد ظاهر خواهد شد در بر می‌گیرد اهمیت به مراتب فراگیرتر از هر علم دیگری دارد از سوی دیگر، به اهمیت حیاتی این علم، گسترده‌گی موفقی‌ان نیز که از همین فراگیری ناشی می‌شود، مطرح است. در حالی که یک طرف جمعیت‌شناسی به اقتصاد، علم سیاسی، فرهنگ، علوم طبیعی، بهداشت، محیط زیست و درها علم و فن اجتماعی و طبیعی دیگر، شانه می‌سازد. این شاخه تأکیدی مکرر بر آنست که بر ارتباط سیستماتیک همه علوم با یکدیگر و بی‌حاصلی نگرش انحصاری و مطلق به هر یک از آنها.

گفتار زیر که دراساس به دو بخش تقسیم می‌شود. تلاشی است برای رهاییابی به برخی دیدگاههای موجود در برابر توسعه صنعتی و رشد اقتصادی مبین مان که ارتباط نزدیکی با جمعیت‌شناسی دارد. بخش اول به پاسخ‌گویی در مورد برخی نظریات یکی از مستولان محترم دستگاه برنامه‌ریزی اقتصادی بافته است. بخش دوم به بررسی برخی دیدگاهها در باب آینده رشد جمعیت ایران و نحوه شناسایی اثرات این رشد می‌پردازد. امید آنکه کمکی هر چند ناچیز و خرد به گشودن برخی گره‌ها در این زمینه کرده باشد.

در شماره گذشته ما، مانند «اطلاعات سیاسی» اقتصادی (شماره پنجم) که بحث اصلی آن حول محور جمعیت‌شناسی و برنامه‌ها و عقاید مروجه در این باره نزد مستولان کشور دور می‌زد. مصاحبه‌ای با دکتر جنبشیه رئیس مرکز آمار ایران به چاپ رسیده بود. از آنجا که برخی نظریات مطرحه در این مصاحبه، ابهامات و سئوالهایی را برانگیخته است، نوشته حاضر به عنوان نقشی این دسته از آرا ایشان، مطرح می‌شود. به امید آنکه، همواره تحقیقات علمی و کارشناسی در جهت اعتدالی‌سازی و معدوم‌سازی مباحثی است که از هرگونه شائبه و تنگ‌نظری و پرخاشگری به دورند.

۱- آقای دکتر جنبشیه در پاسخ به پرسشی که نظر ایشان را در مورد جمعیت و شاخص‌های جمعیتی به عنوان ابزاری در جهت رشد و توسعه اقتصادی و جوی شده بود

گفته شد:
«از دیدگاه سیاسی، مساله افزایش و رشد جمعیت برای کشور ما در حال حاضر کاملاً مثبت و موثر است. در باب جنگ تحمیلی، جمعیت به عنوان ابزاری مهم برای مطرح کردن درجایم بین‌المللی به ششام می‌رود. باید گفت که در شرایط کنونی کدام مساله حادث است. ممکن است این دو ابزار زیاد با یکدیگر تطبیق نداشته باشد. یعنی هنگام سیاست‌گذاری نتوان هر دو آنها را به موازات یکدیگر پیش برد ولی ممکن است یکی از این دو، یعنی اهداف سیاسی یا اقتصادی بر یکدیگر برتری پیدا کند. امروز فرگشت‌وار ما ابزار و شاخص‌های جمعیتی بیشتر رنگ و بوی سیاسی دارد... می‌توان گفت که شاخص‌های جمعیتی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست‌مداران است و این کاملاً به‌طور صحیح به نظر می‌رسد. در صفر اسلام نیز چنین چیزی مشاهده می‌شود...» (۱)

این نظریه که جمعیت به عنوان ابزاری مهم برای مطرح کردن درجایم بین‌المللی به ششام می‌رود، به زبان ساده و صریح، خطاست. شواهد بیشتری در دهه‌های علم صحت این نظریه را اثبات می‌کند. به عنوان مثال آن واقعه تلخ و دردناک ۷۵ میلیون نفر جمعیت در چشم عدم توجه از نفوذ کوبا با ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار و ۲۳ میلیون نفر جمعیت بیشتر است! مثال دیگر اینکه در عملکرد سیاسی و اقتصادی مانند سازمان ملل و کمیسیون‌های ارضی و تخصصی آن و دیگر مجامع بین‌المللی، آیا چین با یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر، موثرتر و متفلسف از فرانسه ۵۵ میلیون نفری است؟! بی‌تردید پاسخ این سئوال‌ات نمی‌تواند کاملاً مثبت باشد. از آنجا که این ابزارهای جمعیتی را هرگز نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شاخص‌های عده‌ریزی چون رشد صنعتی، نرخ سالاخ رشد اقتصادی، درآمد سرافرد، تخصص‌های علمی، جمعیت و درها نوع شاخص دیگر از این نوع، در مورد سیاست بین‌المللی به کاربرد کثرت یا قلت جمعیت، به طور مطلق عامل ظهور قدرت در پهنه جهانی نیست. در حقیقت، عامل جمعیت مانند چهار دوازده (۱۲) دوازده است. کثرت جمعیت، مرشدها به فعالیت‌های عمومی و نبرد توسعه صنعتی، نوعی مشکل قابل‌ذات است. وقت همینست، در شرایط توسعه یافتگی و دشمنی و با این حدود تکنیک و صنعت، عامل بارز دارند. رشد توسعه است.

بنابراین، افزایش و کثرت جمعیت، بدون در نظر گرفتن میزان رشد و توسعه صنعتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، محسوب نمی‌شود. بلکه کاملاً برعکس، با تشدید فقر و افروزی نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی در داخل کشور، از ظهور آن در صحنه سیاست خارجی به عنوان ابزاری قدرتمند جلوگیری می‌کند.

امروزه این مطلب با تکیه بر شواهدی متعدد، به روشنی اثبات شده است که صرف داشتن جمعیت زیاد، مانع تجاوز خارجی یا عامل نظامی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیست. اینکه با کاستن با ۹۴ میلیون نفر جمعیت، همواره خطر نظامی بالقوه و گاه بالقوه برای هند با ۷۵۰ میلیون نفر جمعیت بوده، مزید این مطلب است. حتی اگر از جنبه‌های انسانی قفسه که بهترین قسمت این بحث است بگذریم، از لحاظ اقتصادی نیز هزینه‌هایی که صرف یک انسان نارسیدن به مرحله بلوغ و بارزایی می‌شود با هزینه‌های تکنولوژی نظامی قابل بیانی نیست. اگر ما از هم اکنون در پی برنامه‌ریزی برای ساختار امنیتی آینده کشور هستیم، بایستی به دنبال دستاوردهای تکنولوژیک باشیم. افزایش بی‌قاعده جمعیت ۱۷۰ لای برای اقتصاد بدون برنامه، بیشتر خطری است داخلی تا عامل قدرتی برای خارج. دکتر جنبشیه، در توجیه نشودن افزایش جمعیت می‌گوید: «در صفر اسلام نیز چنین چیزی مشاهده می‌شود. مقایسه میان جامعه فرستادن در ۱۲۰۰ سال قبل و جامعه افروزی ایران، لایزال در زمینه‌های جمعیت‌شناسی و مسائل نظامی و تأثیر آن در سیاست خارجی، بیانی صریح مع الفارق است. در صفر اسلام مرشدها بی برنامه‌اش سریع نفوس مسلمان تأکید می‌شد که مثلاً کل ثمرات درگیر در جنگ سرنوشته‌ساز و استراتژیک بود، از ۱۳۵۰ نفر نیز کمتر بودند. به علاوه، ماهیت نبردهای نظامی که در هر آنالای سرنوشته‌ساز و حیاتی است. در ۱۴ قرن پیش، ماهیتی عمدتاً منکی نبرتهای منسی بود که بصورت تن به تن با یکدیگر به نبرد می‌پرداختند و عامل نیروی انسانی در آن، افضی تعیین کننده داشت. بویژه آنکه تکنولوژی نظامی فرآین زمان، میان پیشرفته‌ترین و عقب‌مست‌ترین ارتش‌ها، تفاوت‌هایی چشمگیری نداشت و در حد نیمان و شمشیر بود. حال آنکه امروزه، درام نیروهای مسلح جابجایی می‌کنند که قبلاً ذکر شد، بر کاهش ثمرات و وارد کردن ابزار آلات نظامی در صحنه جنگ و حفظ نیروی انسانی، تأکید فرایند می‌شود. پس مقایسه میان صفر اسلام و ایران امروز - اگر بهتر بگوییم، ایران فردا از لحاظ نظامی و جمعیتی، مقایسه صحیحی نخواهد بود.

گرچه در دهان صفر اسلام نیز سیه ۲۱۲ نفری اسلام، بر لشکر ۱۰۰۰ نفری کفار قریش پیروز شد و این خود بطلان ذی عبرتی نظامی از طریق ارتش قرانته را می‌رساند. لایزال در مورد جمعیت‌شناسی، بی‌تردو نمونه‌ای که کاملاً برهم مطلق باشند و از یکی نتوان برای دیگری قایل و شاهد آورد وجود ندارد. همین‌جا اگر توجه و رسیدگی به شاخص‌های اقتصادی را به حد حصول اطلاعات کمکی، موزک، کمکی به توجه به اینکه در اوضاع کنونی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به حدی بسیار پرتیغ و تقریباً غیر قابل بیانی است از لحاظ کاهش



خوشنای هست به کار شوند چنان که شایسته صلب اجساد می نماند از بی اعتنائی به دولت، اثرات و مرفی مرفی ناشی از این طرز تفکر نیز قابل بررسی است.

ایشان سپس در پاسخ به این پرسش که بر فرض ثبات مومنه‌گری و مسکنه، بر پایه برپا کردن کمال جامعه، چه جهت گیری می در مورد جمعیت باید اعمال شود، می گویند: «پس از این مرحله نظر من این است که نباید رشد جمعیت را کنترل کرد و باید به توسعه اقتصادی پرداخت. اگر مشکل کمبود سرمایه گذاری و با مشکلات دیگر داریم، اگر جهت گیری مشخص داشته باشیم باید تلاش کرد حتی اگر به افهاری اقتصادی برویم، باید مسائل حل خواهد شد».

اینکه گفته می شود با وجود کمبود سرمایه گذاری، در صورت داشتن جهت گیری مشخص و حتی سقوط به افهاری اقتصادی، باز مسائل حل خواهد شد، در اساس نامفهوم است. اگر ما اکنون حتی یک چهارم مبلغ مورد نیاز، به سرمایه گذاری های ثابت تخصیص نیندازیم و از سوی دیگر، هر ۲۰ سال یکبار جهت کشور در برابر خود رشد پیدا تنها از راه معجزه، بران به مثل مسائلی امید داشته، مگر اینکه تائین زندگی در حداقل صلح مسکنه و با در زیر سطح فقر - نمونه بیگانه‌اش - را در حال مسائلی بیگانه می کردیم. در صورت معجزه مرکز امان، در قفسی دیگر از معضله‌های ناشی از عنوان «نوسازی جامعه» و در آینده رشد جمعیت می گویند:

«آنان ما باید جامعه خوشنای و نوسازی کنیم مثل این است که شما می خواهید بر خانه ای اسباب کشی کنید می نواید همان وسایلی قدیمی را استفاده نمی نواید».

بشخص وسایلی قدیمی را با وسایلی جدید عوض کنید ما آن را به رشد ششای جمعیت نیاز داریم، زیرا جامعه ما باید سریع تر بنشیند. خلا کاری نداریم که این مساله از آن طرف چه آثار و با تغییر مردم در نظر فرهنگی و اخلاقی، مانده که نه اشتباه، خود تصحیح می شود، در لحاظ ترکیب سنی و جوان کاری، همگی بروضح می دانیم که ایران، جوانتر نمی شود چنان است و متوسط سنی ایرانیان از ۱۷ سال تجاوز نمی کند با این حساب چه ازومی دارد که جمعیت را این حد جوان و با پیشرفت فرهنگی در لحاظ فرهنگی - با هم بیشتر و ششای تر از این تغییر کند؟ از دیدگاه فرهنگی و

مباحثه‌های مبروم برپا می‌رود. از دید می‌کنند. حال آنکه با اجرای این نظریه، تطبیق مردم با شرایط نامساعد دیگر نیازی به مساله دیگری وجود نخواهد داشت و مهمتر آنکه با اجرای این دیدگاه، به مساله دیگر، حتی نیاز به مرکز آمار هم، عمود می‌ماند.

از سوی دیگر، اینکه فقدان شرایط مساعد اجتماعی و در این مورد به خصوص، فقدان بهداشت عمومی بتواند در کنترل جمعیت نظمی ایجاد کند، سخت محل بحث و تردید است. تجربه آشنای، مثل ماهیان غلغلیار نیستند که هر بار هزاران جرم می‌گذرانند و برای هر خطر ایندهانی تسلیم به نفع‌دهی اندک، باقی نمانند یا با بخوردند یا به نوبی دیگر از بین می‌روند. قرن‌هاست که هر سال در آفریقا، در شرایط نبود حداقل بهداشت، حتی به اشکال بیماری و اجسالی، میلیون‌ها تن هکام با زمان به مرگ دچار می‌شوند. اما هنوز هم مطابق تاز، ترین آمارهای جهان، متوسط میزان باروری هر زن آفریقایی، ۶/۲ یعنی بالاترین میزان باروری در سطح جهان است. تجارت دیگر، هر زن آفریقایی بطور متوسط ۶/۲ بچه در طول دوران باروری خود دنیا می‌آورد و نرخ رشد جمعیت در آفریقا، که از ۲ درصد هر تجاری می‌کند، نمونه دیگر، ایران است که با وجود کاهش نسبی سطح بهداشت در سالهای اخیر و نرخهای نوام که در سال ۶۳ نسبت به شاخص ۱۳۳۰-۱۰۰۰، برابر ۲۵۰ یا بیشتر بوده است، هنوز هم نرخ رشد جمعیت، در سطحی بالای ۲/۶ درصد قرار دارد و این نرخ، در سالهای اخیر، افزایش داشته است و الوقت این است که شرایط کشور برخی تحلیلی گران، میان نرخ رشد جمعیت از یک سو و رفاه فردی و اجتماعی آن سوی دیگر، متوازنه رابطه معکوس وجود دارد به این معنی که هر چه سطح زندگی بالاتر باشد، نرخ باروری کمتر است و بالعکس مگر اینکه عوامل اجباری مستوفی هر این کار ایجاد باشند.

بنابراین حتی با اجرای سیاست فوق که لاقال نقص آن در تشدید فرایند فقر اجتماعی قابل تردید نیست، نیز این امر امیدوار بود که نرخ رشد جمعیت تحت کنترل درآید.

به جز همه اینها، به مثل فرودن این معضله، تطبیق شعری با شرایط نامساعد، مساوی است با نقض آشکاره که نامشروع و اهداف اولیه و عالی انقلاب اسلامی و اصول قانون اساسی، اگر عدالت اجتماعی را از اصول اولیه و غیرقابل انکار اسلام و انقلاب بدانیم، ایرانی این طرح، یعنی رها کردن مردم به حال خود و به عوارض جانی مملکتی که به بار می‌آورد، به معنای زیر پا گذاشتن اصول اساسی انقلابی خواهد بود که همه ما را، اعتقاد بر نظر مسئولان آن، کویش و همچنین جنبش‌های قلمی توجهی از عدالت است. اسلامی به انقلاب از برکت آن اصول بوده است. به بیان دیگر، این نظریه بر آن است تا در اجرا، به مردم انگیزه القا شود که دولت، بعنوان نماینده مملکت اسلامی - برلی آنان کاری انجام نخواهد داد و آنان خود باید بری

مسئله میان کشورها در آینده وسیده است، در آن صورت رسیدگی به خلاص اقتصادی، به احتمال قریب به یقین آنگاه بر خواهد بود که حتی رشد ۱۰ درصد اقتصادی نیز جوانان مالدات را نخواهد کرد. دقت در نرخ رشد ۳/۶ تا ۴ درصدی، جمعیت ایران نشان می‌دهد که در ۱۸ تا ۲۰ سال آینده با حفظ نرخ همین رشد، جمعیت ایران حداقل به ۹۶ میلیون نفر بالغ خواهد شد. می‌دانیم که ۲۰ سال، حتی از لحاظ نرخ نسبی نیز بسیار کوتاه است، چه رسد به اینکه در قلموس باروری‌های ملی بررسی شود که یکی از کودکانی زمانه‌است، در صورت ادامه این وضع و عملی شدن این پیش‌بینی - اولویت دادن به شاخص سیاسی افزایش جمعیت - تا همین محتاج ضروری ۱۰۰ میلیون نفوس ایرانی را در ۲۰ سال آینده، چه کسی تضمین خواهد کرد؟ حال آنکه ما به نحوی می‌دانیم از لحاظ سطح زندگی، حتی اکنون نیز در میان ممالک پیشرفته جای نداریم.

در عین حال، باید پرسید که مورد استفاده قرار گرفتن افزایش جمعیت در حصول به اهداف سیاسی، چه موقع نسر خواهد داد به بیان دیگر، چه کسی تضمین می‌کند که ارزش قابل، به مثاله ای در چین میلی - حتی تا دو دهه دیگر - سایر دستمزدها خواهد بود؟ اینان که اغلب کشورهای توسعه یافته و گروهی از کشورهای در حال توسعه چنین است، ما باید ساموزیم که در شرایط کنونی، برای رشد اقتصادی نمی‌توان و نباید به انتظار فرا رسیدن ارزش مطلق سیاسی بستند آنچه که اکنون بعنوان آفت رفاهی جهان توسعه یافته است می‌رسد عیار است و رشد هر چه

۱. رئیس محترم مرکز آمار، در قفسی دیگر از سخنان خود می گویند:

«می‌توان رشد جمعیت را با میزان سرمایه گذاری تطبیق داد یعنی در این شرایط هر بنشی مردم ما باید سایر بهتنها همدانگی می‌کند. مثلا به جایی می‌رود که حتی جمعیت، روزه می‌گیرد می‌بندد شما می‌توانید آرایش کنید. طوری رشد جمعیتش را می‌گرد و نشی به بیامریان رفت و زندگی نسبی تولید را به سرورس معیسه، برای چه یعنی دست شای می‌دارد یعنی بدون اینکه شاخص کنترلی داشته باشد، خود جمعیت کنترل می‌شود یعنی خوشی خوشی را کنترل می‌کند، بشرطی که شما با او بطور بکنواخت برخورد کنید».

معنای این عبارات، در مختصرترین و در عین حال کاملترین مفهوم، یعنی همان داتاری بقای اصلع، مستهفی این بار در مورد جامعه است».

کنترل طبیعت که دکتر حشیدی پیشنهاد می‌کند، در حقیقت صورت دگرگون شده همان داتاریوشیم است که است که قانون «بقای اصلع» را به مراعیه بشری تعمیم می‌دهد. عجیب اینست که اینان که به شدت در فرست از

اخلاق نیز، چندان جای یادآوری نمی ماند که همین هوسبازی فنیسی به بیرون تحولات شگرف فکری و روحی در خوش، دست به ایجاد جنبش انقلاب تاریخ ایران و خورشید زده اند و هنوز هم به هیچ وجه نمی توان از کاهش این دگرگونی های اخلاقی و فرهنگی حرف به بنظر اینجانب، حسن کلتن از ضرورت هوسبازی جامعه به شویادی ای منصفانه تعبیر فیزیکی صمیمت باشد، در تنها ضرورت تبار، بلکه مفسر نیز هست. اگر بتوان نزدیک ۱۱ میلیون کودکی را که در هفت سال اخیر در ایران پدید آمده اند، آموزش کافی داد و آنها را به عنوان ابزارهای اساسی رشد اقتصادی به کار و تلاش گماشت، تغییر جامعه بصورت رشد شتابانی چیست، چه معنایی خواهد داشت؟

همچنین، اگر بصر پر فرهنگ و اخلاق، همان میزان پیروی مردم از برنامه دربار منگلی باشد، در کجایی دنیا و تاریخ ایران، بیش از امروز میان مردم و ستولان نظام و

لبازارهای جمعیتی را هرگز

نمی توان بدون در نظر گرفتن ضایعاتی عمده تری چون رشد صنعتی، نرخ سالانه رشد اقتصادی، درصد سود و تخصص در میان جمعیت و... در مورد سیاست بین المللی به کار برد.

رسانه به شرایط ظهور استعدادها معرود باشند و در این حال دران جامعه ما بدینال «تنبیگاه» گردیدیم معنای جز این نخواهد داشت که خلاصت و به پای آن ۹۵ درصد از باطنی محکم بشینم و ۵ درصد بیهوده را به انواع خودروهای سریع مجهز کنیم و اوقات ثمن آنها سلبانه صرف تربیت بنیادیم. همان طریقی به اصلاحیاری به برقرار ای مسافه نسبت، تازه آن نتیجه آن از همان ابتدا بدیاست آرون شواهد اشتباهی در رد این مطلب توجهی نیست. گاهی اجمالی به ترکیب، محیط پرورش دانشجوین کشور، روشهای نشان می دهد که درصد دانشجوین روستایی نسبت به دانشجوین شهری، به حیرت میال می کند. همچنین در همان شهرها، نسبت دانشجوین شهرستانی از مراکز استانها پراکنده گستر است، و نیز دانشجوین مراکز استانها، درصد کمتری را نسبت به دانشجوین شهرهای تشکیل می دهند. ولی البته می توان به تفاوت درصد دانشجوین نهایی با سطح مختلف اشاره کرد. برای ریشه یابی این عارضه نیز نیاز به درازگویی

جمعیت ایران با میانگین سن ۱۷ سال از جوانترین جمعیتهای

دنیاست. با این حساب چه لزومی دارد که جمعیتی تا این حد جوان و باالطبع انتظاف بلیر از لحاظ فرهنگی - باز به بیشتر و شتابی تر از این تغییر کند؟

به امکانات مادی و فرهنگی فراهم باشد. آیا می توان فرض کرد که تحت تاثیر این خاصیتها رشد یافته، با جوانی از روستایی دور افتاده و با امکاناتی که نیاز به تشریح ندارد. مشابه کرد. در حقیقت «تنبیگاه» فنیسی معنایی هستند که در شرایط «های» مناسب پرورش یافته اند و نشان دادن یکی دو نمونه استثنایی، برای ترمیم در استناد این مطلب کافی نیست. در نهایت، اگر چه ممکن است نظر واقعی رئیس محترم مردم راز گنبد نباشد، اما ارائه آن علیه که کاشف درآمد کرده، از یکسو و انتخاب «تنبیگاه» از سوی دیگر موجب رشد اقتصادی می شود، در باطن امر همین آن سوی که سطح زندگی مردم، هر چه بیشتر به رفاه نزدیک باشد تا به همان صاحبان امتیازات سابق، به رفاه و تنم هرچه افزونتر دست یابند.

در انتهای بحث و جمع بندی آن آقای جیشینی عنوان می کنند:

«اگر برنامه تعادلی پس نیاید باید دلیل که باید جنوی رشد جمعیت را بگیریم، اما دقیقاً به همین دلیل که برنامه تعادلی، لایزال نماید رشد جمعیت را تشویش کنیم قطاری را که از نادیم به کدام سو می رود، هر امنوار از مسافر کنیم و او سرت آن برافروزم»

از بررسی کلی مسأله دکتر جیشینی، می توان اینگونه استنتاج کرد که ایشان در مجموع وقت افزایش مریع جمعیت و مخالف کنترل نرخ رشد آن هستند. منظور بعد، کوششی است تا به زبان افراد و امار رسمی موجود نشان داده شود، که برای کنترل نرخ رشد جمعیت ایران، هر چه زودتر باید دست، به کار شد. غیر از این، و به جز سربازیه گذاری های پرزانه و ذلیق، هیچ گونه روشی برای اقتصاد ما در آینده متصور نخواهد بود.



اهمیت جمعیت در میات اقتصادی و باطنی کل علوم اجتماعی از آن جهت تردید ناپذیر است که همه اینگونه مسائل اقتصادی - اجتماعی، در واقع به سوی جمعیت اعتنا می شوند. بدون بررسی گریز نرخ توسعه اقتصادی از نرخ رشد جمعیت، رشد اقتصادی صورت نخواهد گرفت و اگر نرخ رشد، توسعه از نرخ رشد جمعیت تفرق باشد، در اصل شلگره نیز در رشد اقتصادی بروز خواهد کرد.

به باجه آن امر به جهت این است، که در ۱۰۰۰۰ نفری عمری متوسط و مسکن (۱۲) جمعیت ایران، ۳۶/۶ درصد رشد سالانه اکنون بالغ بر ۱۸ میلیون نفر است. این نرخ رشد، معین است آن که هر سال نزدیک به ۱۷۵۵۰/۰۰۰ نفر به جمعیت ایران افزوده می شود که البته سال به سال این افزایش به باقی باقی می رسد. با این حساب و در صورت ادامه این روند در سال ۱۳۴۵، کشور ما بین ۱۹۶ تا ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت. از لحاظ برنامه ریزی های اقتصادی، از چاه، باید به بررسی مسائل مربوط به این تعداد جمعیت پرداخت. کشاورزی، مسکن، بهداشت، صنعت، اشتغال...

نیست

هسین که بطور متوسط برای هر ۸۰۰ نفر تهرانی و هر ۱۵۵۰۰ نفر اهل ایلام، یک پزشک مورد دراز (۳) ما را از هرگونه دلیل تراشی دیگری مستغنی می کند.

حسین را می توان به توضیح مشکلات نیز ریشه ای جز نحوه برنامه نراند. اگر ما می داریم که تفهیکی بخشنی خصوصاً در ۸ سال گذشته و ۲۷۰۰ مبارزه تومان به نزدیک یک تریلیون تومان رسیده و در عین حال با توجه به شاخصی سطح معیشت، افراد کلی جامعه گرسنه شده است، اشتغال از ۱۰٪ تا «ناخالص» من این میان طالبان هم بنحو کمابیش نهم است. برخلاف همه زمینه عاریت ها و فعالیتها این حوزه، تریلیون نوحه نگرش به شرایط اجتماعی - که جمعیت شناسی دقیقاً از باطن این خبری خود - به شش می رود.

با ناکد، بر هر پهنه از کشورش و کشاندن آن به میات آموزشی و سیاستگری های مربوطه، لایزال اشاره به این نکته ضروری است که نشود کنونی پذیرش داشتند، با تکیه بر فرضی عقل - ابتدا شیوه ای مشاوره و کامل نسبت روش صحیح گریش دانشجو این است که ورود و اولویت به دانشگاه، آزاد و آزاد باشد و خروج از آن در کلی کشور و سخنگری، است آنچه که فعلاً به کار برده می شود اگر قبول مرحوم آقا آیدرف و راسم و توموگ و دانشنام و از دهانه سنگ آن دانشجو و اولیاست تحصیلات عالی می کنیم، اما دقیقاً نایی از آن است که با همه تحریک رژیم گذشته در کلیه زمینه ها، اکنون راه دیگری موجود نیست. صحت گزاران این روش در فرار مدت و تلاش در جهت اشتغال از آن تشدید ناپذیری ها، در اصل نه برنامه ریزی، بلکه هراغ از مرع می باشد. این نظری است، چنین است اوضاع اقتصادی و دیگر زمینه ها، که در مردم امکانات مسوولی قابل شده است، اصلاحی گرفتن از آنان در شرایط طبیعی، لایزال از عدالت است. همه های بد هیچک از ما به این خنده پیش نیست، به دور خواهد بود.

صرف نظر از اینکه تئوری تشبیه گرایان به چه حد بر واقعیت منطبق است و اساساً اصالت آن تا کجاست، تا رسید که آیا حقیقاً میان تنبیکان معنایی و باطنی نامایزی هست و اگر هست تا این حد منطقی، اگر متلاطم و جانر پیش از تولد از تغذیه صحیح و بهداشت کلی برخوردار بوده باشند و در دوران برابری و پس از تولد تا سن بلوغ، این تغذیه صحیح، بهداشت کافی، آموزش سطح بالا، و خلاصه

همانکه وجود داشته است!

ایشان می گویند حالا به عوالب ساله افزایش جمعیت «کار» دارند.

باید گفت که کاملاً برعکس، دقیقاً همه «کار» هسین چاستد چرا که بخش اعظم مسائل جمعیت شناسی از همین آثار جاشینی آن شکل می دهد.

در دفتر جیشینی آن همه نسبت به پیامدها ناگوار بصورت چشمگیری، نگریستن «مشاور» می باشد. انتظار نمی رود که بکنیز، خود اینگونه تهرانی به مساله جمعیت رنگد، که در تجزیر افزایش یا کاهش نرخ رشد جمعیت، اگر چه جزایب آن بدقت مورد بررسی قرار نگیرد، توصیه ها ارزش خود را از دست می دهند. ما نیازمندیم که در روند افزایش جمعیت و با توسعه و رشد اقتصادی، همه مسائل اساسی از قبیل سطح زندگی، بهداشت، سرفادآوری، اشتغال، تخصص، تغذیه و غیره را در نظر داشته باشیم. چرا که در برابر بصورت، تعدادها بسیار زیاده را با خود همراه کرده است. این جهت دیگر، چه لزومی دارد که ما به خاطر شمار کلای و هیچ ضرورتی جامعه، میات و سطح زندگی ۵۰ میلیون انسان را نادیده بگیریم.

در ادامه بحث نوسازی جامعه، آقای دکتر جیشینی

اینگونه می گویند:

مشاور برای اینکه به اصدا خودمان رسید، باید در جنبه انتخاب بیشتر داشته باشید. الان برای دانشکاه ۵۰۰ هزار نفر یا ۴۰۰ هزار تا ۴۵۰ هزار نفر داوطلب وجود دارد. شما چه افرادی را انتخاب می کنید و چگونه سرتیخ به افرادی که برای جامعه اهدا بل به آنها نیاز دارید می رسد. بحث من این است که ما الان به انتخاب احتیاج داریم...

در این قسمت، ظاهراً رایج به مفهوم «روز» و «انتخاب» سوء تفاهلی رخ داده است. اینکه ما از میان ۴۰۰ هزار نفر و ۵۰۰ میلیون سرخپرو به گزینش ۳۰ هزار بنیادیم، انتخاب نیست، بلکه گزینش اجباری است و معنای آهی. لزوماً این نخواهد بود که ۳۰ هزار نفر «انتخاب شده» حتماً بندهمتر از دیگران بوده اند.

تنبیکان هنگامی واقعاً مشخص می شوند که تحت شرایط کاملاً مساوی رزینی، روانی، تربیتی، سطح زندگی و دهها شاخص مساوی دیگر با بقیه قرار داشته باشند. عین حال برتری خود را نشان دهند. اینکه در یک جامعه نزدیک به ۹۵ درصد افراد آن پایه های اساسی و معنایی

از سوی دیگر، اگر نرخ رشد جمعیت از طریق امداد مالی، علمی و تشویقی و فرهنگی به ۲ درصد کاهش یابد در سال ۱۳۴۵ جمعیت کشور به ۲۷ میلیون نفر رسد. اکنون این سطحی پرورش می شود که تفاوت تورم ۱۷ میلیون نفر - بفرست است جمعیت کشور، در این اندازه افتاد خوشبختی! بیخ این سئوال می کرد به سلباتی طراری و بگیری شده در زمینه های اقتصادی - اجتماعی و نحوه دستیابی به اهداف پیش شده از سوی دستگاهها، در این روند، در اینجا با توجه به اهداف طبیعی و بغضاً اعلام شده، هزینه بسیار از قبیل مسکن، کشاورزی، صنعت، سرای است تا تفاوتها و امتیازات و تبارهای نوری می شود. در حال حاضر جمعیت ۲۷ و ۳۶ درصد - مورد بررسی قرار گیرد و حتی امکان تلاشی در جهت باقیان راهبردی مسیح سیاسی صورت پذیرد.

۱- کشاورزی و تغذیه

با توجه به وضعیت فوق العاده کنونی که کشور درگیر جنگی ناخواسته است، لازم سطح مصرف سزانه مواد غذایی کاهش یافته است، میزان نیاز کنونی کشور به

محصولات اساسی چون گندم، جو، برنج، علوفه، بالغ ۳۲ میلیون تن برآورد می شود که در صورت ادامه نرخ رشد ۳/۶ درصدی جمعیت، در ۴۰ سال حدود ۶۶ میلیون تن خواهد بود (۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰). در شرایطی است که با علوفه سطح بسیار پایین بهره رزی کار در بخش کشاورزی و عقب ماندگی تکنولوژیک محافظ آن نسبت به دیگر رشته های اقتصادی از یکسو، و عدم استفاده از بخش اعظم امکانات بالقوه کشاورزی ایران و به ندر رفتن آن در سوی دیگر و همچنین اوضاع ناپایدار و ناسامانجری ایران که کشور را در شرف رها چگی از خشک تر شدن به نفع کشاورزی جهان قرار داده است، عملاً تا اکتون ساله حدود ۲۲ تا ۲۳ میلیون تن تولید داخلی داریم (۶). حتی اگر نرخ رشد جمعیت را ۳/۸ درصد فرض کنیم، در ۱۸ سال آینده احتمالاً جمعیت ما به حدود ۸۰ تا ۸۵ میلیون نفر خواهد رسید در آن روز ما حداقل به ۶۰ تا ۶۵ میلیون تن محصولات کشاورزی برای تغذیه جامعه نیاز داریم که با توجه به ۲۳ میلیون تن محصول تولیدی کنونی می بینیم که میزان تولیدات مانا تا چه حد طبیعی باشد افزایش یابد طبیعی است که اگر با همین آنگذ کند تولید بیش بر رویه به ۳۰ تا ۳۵ میلیون تن واردات مواد غذایی احتیاج خواهیم داشت که واردات این مقدار مواد غذایی از خارج در شرایط کنونی به هیچ وجه امکان ندارد. واردات مواد غذایی به این مقدار، به طور کلی غیر ممکن است. (۷) حتی اگر بتوان تولیدات مواد کشاورزی را در ۱۸ سال آینده دو برابر کرد، باز هم سالیانه بیش از ۳۰ میلیون تن کسود مواد غذایی و کشاورزی خواهیم داشت و این در صورتی است که نتوانیم سطح زندگی و به تبع آن مصرف سرانه مواد غذایی را افزایش دهیم. جدول شماره (۸) میزان نیاز واردات سالانه ۱۱ قلم کالای اساسی را در سال ۶۴ نشان می دهد.

نوع کالا	نیاز کشور (هزار تن)	واردات سال (هزار تن)	تأمین در صورت عدم واردات (هزار تن)
گندم، کتان و حبوبات	۱۷۲۰۰	۲۰۲۲	۱۵۱۷۸/۱۹۰
برنج	۱۷۲۰۰	۲۰۲۲	۱۵۱۷۸/۱۹۰

ملاحظه - وضعیت اقتصادی - اطلاعات ۶۵/۵/۵
بر پایه این جدول، در سال ۶۴ که کشور با کاهش درآمدهای ارزی مواجه بود، با وجود افزایش نسبی تولید مواد غذایی به علت بهبود اوضاع جوی، جمعا بیش از ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تن مواد غذایی به ارزش نزدیک به ۱/۵ میلیارد دلار - تنها در مورد ۱۱ قلم کالای مذکور - واردات داشته ایم. براین اساس، اگر فرض کرد در سال ۱۳۸۳ - یعنی به ویران ۲۰ میلیون تن از این مواد بزیوم، به قیمت های سال ۱۹۸۲، محصور به پرداخت ۵/۵ میلیارد دلار در سال خواهیم بود. این، در حالی است که اکتون واردات مواد غذایی افلاسی هستند که سالانه ۲/۵ تا ۳ میلیارد دلار از ارز ما را می بردند (۸).

اما پیدا است که با ادامه این وضع، رشد بخش کشاورزی ما حتی به نرخ رشد جمعیت نیز نخواهد رسید چه رسد به آنکه

رئیس مرکز آمار ایران
گفته اند که «اگر برنامه انبار نیاز فریاد بزیوم که باید چلوی رشد جمعیت را بگیریم، اما ققبا به همین دلیل که برنامه نداریم، لااقل نباید رشد جمعیت را تشویق کنیم.»
برنامه ریزی، بویژه برای ممالک در حال توسعه مانند ایران، حیاتی ترین، فوری ترین و دقیق ترین وظیفه دستگاههای مدیریت این کشورهاست.

ابتدا کسبوه را جبران کند و سپس منجر به افزایش مصرف سرانه و در نهایت، صادرات بشود. حتی قاره آسیا متوسط روزانه ۳ ساله حدود ۶۵۰ میلیمتر است در حالی که - کشور ما ۲۲۵ میلیمتر متوسط باران سالانه دارد (۹). با این ترتیب، سالیانه محصول معادل ۸۰۰ میلیمتر در سطح تزیلات خواهیم داشت، بنابراین - طرفت خاکستر کشت است و با توجه کشور پیش از ۱۶ میلیون هکتار نخواهد بود (۱۰) و نیمه سرانه و در نهایت، صادرات بشود. حتی قاره آسیا متوسط روزانه ۳ ساله حدود ۶۵۰ میلیمتر است در حالی که - کشور پیش از ۱۶ میلیون هکتار نخواهد بود (۱۰) و نیمه سرانه و در نهایت، صادرات بشود. حتی قاره آسیا متوسط روزانه ۳ ساله حدود ۶۵۰ میلیمتر است در حالی که -

با این ۱۶ میلیارد تن به نسبت به ۲۳ میلیون تنی ما در سال ۱۳۷۵ و گندم و جو، ۵ میلیون تن کسود تولید کردیم که ما خواهد بود. حال آنکه می دانیم قسمتی به این امر - افزایش سریع عملکرد و سطح زیر کشت - نیاز به سرمایه گذاری های کلان و ارتقاء سطح آموزش هر روستا و مشخص های متعدد دیگری دارد و این در حالی است که طرف چند سال گذشته حدود ۷۰۰ هزار هکتار از حاصلخیزترین اراضی کشاورزی برابر تجربه و تبدیل غیر قابل استفاده شده است. این وضع در شرایطی است که در طول ۳۵ سال گذشته با صرف بیاروفا ریال هزینه و احداث سدهای عظیم فقط ۸۰۰ هزار هکتار بر سطح اراضی کشاورزی افزوده شده است. (۱۱) از سوی دیگر، برای آزاد ارائه شده توسط مرکز آمار، پروانههای عمرانی دولت از سطح اعتبارات سرمایه گذاری ثبت جهت توسعه کشاورزی و منابع طبیعی، از ۵۵ میلیون ریال در سال ۱۳۵۸، به ۲۵ میلیارد ریال در ۱۳۶۰ کاهش یافته است. (۱۲) مشخصا با ادامه این شیوه برخورد با کشاورزی و این نرخ رشد جمعیت، در ۲۰ سال آینده، سرمایه یکی از بزرگترین وارد کنندگان مواد غذایی صیقل خواهد شد. تنگناهای طبیعی کشور از لحاظ کشاورزی نیز که همواره مخلوقه بودن میزان توانایی های

خاک را از جهت حاصلخیزی یاد آوری می کند، به ما هشدار می دهد که در صورت افزایش جمعیت دقت ویژه به خرج دهیم. اما اگر نرخ رشد جمعیت را بخوان به نصف (۴ درصد) کاهش داد تفاوت آن از جنبه تولیدات کشاورزی و تولید تغذیه مردم، چشم گیر خواهد بود. جدول شماره (۹) به مقایسه میزان احتیاجات برخی مواد غذایی در ۳۰ سال آینده، در شرایط نرخ رشد ۲ و با ۴ درصدی جمعیت، و افزایش سطح زندگی مردم به میزان دو برابر می پردازد و ما به تفاوت مورد میان این حالات را با ارقام تقریبی نشان می دهد.

براساس ارقام ارائه شده در جدول (۹) که در ۳۰ سال آینده جمعیت ایران بجای ۳/۶ درصد بارخ رشدی برابر ۲ درصد در سال افزایش یابد، مابه تفاوت این کاهش نرخ رشد تنها در مورد ۲ قلم کالای مذکور نزدیک به ۶ میلیون تن خواهد بود که اگر نرخ آن به قیمت های سال ۱۹۸۲ برابر ۱/۳ میلیارد دلار است. در صورتی که در این مدت، تقسیم برافزایش سطح زندگی به میزان ۲ برابر برابر ماژاد محصول غذایی افزای فوق شرایط رشد ۲ درصدی، در ۱۰ میلیون تن - معادل ۴/۶ میلیارد دلار نیز برات صرف خواهد شد که در مقایسه با کل مصرف مواد غذایی در آینده، مقدار عظیمی و شامل می شود. مسلما این کاهش نرخ رشد جمعیت ناشی می شود، به برنامه ریزان سیاست کلی خواهد بود. زیرا در مورد ما فراتر نرفت و با سرمایه گذاری های اصولی، تولیدات داخلی داماری، به توجیه اقتصاد نوسازی، پس از جنگ برابر درآمد و حتی درآمد توابع، به میزان ۱۰۰ درصد به سطح زندگی مردم افزایش یابد. در نتیجه، با حفظ همین مصرف سرانه، کاهش نرخ رشد جمعیت به ۲ درصد از نیاز کشور به مواد غذایی در ۳۰ سال آینده، سالیانه حدود ۲۰ میلیون تن خواهد شد. و این، با توجه به میزان سرمایه گذاری های کنونی در بخش کشاورزی و سایروری و همچنین شرایط سخت آب و هوایی کشور، زحمتی قابل توجه است. آنچه، در صورتیکه سرمایه گذاری های بزرگ مبادرت شود و زیرایر ایه امکانات موجود به درستی ارزیابی شود و مورد استفاده قرار گیرد، افزایش سریع در میزان تولیدات غذایی، دراز مدت خواهد بود. اما گذشته از تضعیف بودن این احتمال در آینده بازه نرخ رشد تولیدات کشاورزی، قادر به برابری با نرخ رشد صنعت در این سطح نخواهد بود. اینکه باوجود آرایز شدن خرید گندم از کشاورزان توسط دولت، در سال ۱۳۶۶ واردات تنها به ۲ میلیون تن بالغ شده است، گواهی میدهد.

۲ - مسکن

برابر آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار، مرکز آمار، کسود (مسکن ایران) سال ۱۳۶۱ - حدود ۵ میلیون واحد مسکونی برآورده شده است. این کسود در سال ۱۳۵۵ - حدود ۱/۴ میلیون واحد بود. - که خوبتر نامناسب تر شدن وضع

نوع کالا	نیاز کشور سال ۶۵ (هزار تن)	واردات سال ۶۴ (هزار تن)	تأمین در صورت عدم واردات (هزار تن)
گندم	۸۵۰۰	۲۰۰۰	۶۵۰۰
برنج	۱۷۰۰	۲۷۰	۱۴۳۰
گوشت بقر	۷۹۰	۲۳۵	۵۵۵
گاو	۱۳۷	۷۲	۶۰۵
بسیار	۱۵۰	۱۲۰	۳۰
روغن خام	۵۰	۲۲	۲۸
شکر	۱۱۰۰	۶۰۲	۴۹۸
جمع	۱۳۰۰۰	۳۸۰۰	۹۲۰۰

میزان کمبود مسکن در پایان سال ۶۱ حدود ۲ میلیون واحد مسکنی بر آورد شد است. با احتساب نرخ رشد ۳/۶ درصد نسبت به سال ۱۳۶۵، بیش از ۹ میلیون مسکن خانه به نیازهای کنونی افزوده خواهد شد.

۱۶/۵ میلیون شغل جدید لازم خواهد بود تا مشکل بیکاری را لایزال بصورت آشکار از صورت جامعه بزداید.

۲۰/۸ میلیون شغل محمود خواهد شد که تفاوت آن با نرخ رشد ۳/۶ درصد، همال مدکور برابر ۷ میلیون شغل خواهد بود از آنجا که نامین این تعداد اشتغال ۱۶/۵ میلیون- تا ده ماه بعد خواهد. حتی با تکمیل هر سه تراز مالی و تکنولوژیکی و طبیعی کشور، امکان پذیر نیست، این مقدار کاهش. لایزال در زمینه ساخت اجتماعی و سیاسی، از بروز بسیاری از ناسامیاتی حاصلگردد خواهد کرد و ماه به ماه متولان فرصت بیشتری برای تدابیر اشتغال بهتر و افزایش سطح کیفی و کمی بهره‌وری کار خواهد داد. این که معمولاً در تالیف افزایش بودجه حقیقت به نرخ رشد بالا، به دردهای خود دست داده استناد می‌کند، اگر بدون در نظر گرفتن پایه عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در این زمینه به بیان عقایدشان بپردازند، همانقدر که اشتیاقده که هواداران کنترل افراسی جمعیت به هر طریق ممکن، حتی جنگ و کشتار، فرایح، اگر بتوان هر یک از نیروهای فعال جامعه را با آموزش صحیح و تکنیکی در سطح خوب، به کارهای مفید که به امری در خدمت تولید است مشغول کرد، افزایش جمعیت، لایزال در زمینه اقتصادی مشکلی بدید نخواهد آورد.

اینکه مطابق آمار ارائه شده در مجلس شورای اسلامی، متوسط کار مفید هر نفر شاغل در صنعت گانه ایرانی کشور ۱۱/۵ ساعت در ماه است. (۳۰) ساعتی که تا زمان بکارگیری همه بیکاران کشور از یکسو، و هدایت روند نحوه اشتغال و افزایش سطح تکنیکی باروری کار از سوی مکتب، افزوده می‌شود به نیروی کار در پهن افراشی سرب جمعیت، عملی حساب شده و بطور از آینده‌نگری و شخص‌های یک نظام صحیح برنامه ریزی و اجرا خواهد بود.

چشمپن، اگر دولت بتواند سالیانه حداقل ۲۰۰ میلیارد ریال (۲۲ میلیارد دلار) در سال به سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و لایزال ۱۰۰ میلیارد تومان (۱۱/۵ میلیارد دلار) به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و تکنولوژی پایه‌ای اختصاص دهد، می‌توان به صنعتی شدن کشور و اشتغال کامل در ۳۰ سال آینده، تا حدی امیدوار بود. اما متوسط هزده سالیانه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معادن در سالهای ۱۳۵۲-۵۳ حدود ۲۵ درصد و کل حجم آن در قسمت ثابت معما برابر ۶۵۰ میلیارد ریال بود. این رقم در سالهای ۱۳۵۸-۶۷ به ۲۱۷ میلیارد ریال محدود شد که بطور متوسط سالانه کاشفی برابر ۱۳/۷ درصد داشته. (۳۱) سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معادن ۱۹۶/۱ میلیارد ریال در ۱۳۵۸-۶۷ به ۵۷/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۱ کاهش یافت. (۳۲) مسلماً بدلیل خرابی ناشی از جنگ تسلیح شده توسط پل‌های مرزها مرکز اشتغال، استکباری، مستکم تا حدی تا حدی خاتمه چنگ که همه بوجهه‌ها و قدرت دستگاه ایرانی کشور، باید صرف بازسازی این زیرساختی و مشکلات خود آورد. خود موجب پائین ماندن سطح سرمایه‌گذاری صنعتی خواهد بود. بنابراین، تلاش در جهت کاهش نرخ رشد سالانه جمعیت، حداقل تا زمانی است که اگر افزایش برنامه ریزی، برای ترمیم ناسامیاتی، حاصل شود و جلوگیری از بروز مشکلات جدیدتر فر اثر افزایش جمعیت، می‌تواند به دولت پیشنهاد کند.



آینده به بالا گذشته، همراه با تمام اهدا و ارقام و برآوردهای ظاهری ظاهر شده است. کوششی بود برای آبیان

۱۸ سال آینده که جمعیت به ۸۰ تا ۸۵ میلیون نفر خواهد رسید. حداقل به ۶۰ تا ۶۵ میلیون تن محصولات کشاورزی برای تغذیه جامعه نیاز داریم. اگر خواهیم در زمینه بهداشت به استانداردهای جهانی دست پیدا کنیم، باید رشد کنونی جمعیت، در سال ۱۳۸۵ به حدود ۸۰ هزار پزشک - غیر از پزشکان فعلی - نیاز داریم.

حجت. از عمیق ترین و وسعتین گسترده‌های موضوع نیز برخوردار است که به بررسی چند صدگانه، رساله و مقاله پیرامون جامعه ایران پرداخته باشند تنها از میان بخوره همه عقاید موجود در زمینه برنامه‌ریزی توسعه، صنعتی و جمعیت‌شناسی است که برآمده از منابع و اسناد حاکم کاربره و حداقل تقاضای سربخورد افزایش قدرت از این، برآورد شده با سهل‌انگاری. در سربزشت میانه‌ها انسان‌های شریف و صالحی که به مسئولان خود اعتقاد کرده‌اند، و منتظر مشاهده نتایج این اعداء می‌باشند هستند به امید آنکه همه این برخوردهای آتیشده، عملی باشد و جهت برآورده کردن این انتظار موجه و اصولی، والسلام.

لز: سعید لیلز مهرآبادی

زیرنویسها:

- ۱- کلیه نقل قولهای بدون ارجاع، از مصاحبه دکتر چشمپنیا، در ۱۷ ماهه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۵، صفحات ۱۲ تا ۱۴ است.
- ۲- ژانرس (پادشاهی استعفا، خاندان به این پادشاه قدرتی شد که هم به گذشته و هم به آینده عارف شد و این، سبب در چهارده روز، برپا بود) - ایرافلف لاسی - صفحه ۲
- ۳- ایران در آئینه آمار - مرکز آمار ایران، صفحات ۹ و ۱۰
- ۴- این مقاله قبل از اعلام آخرین نتایج سرشماری متوسط ۹۵ مرکز آمار ایران و تا توجه به نتایج مقدماتی سرشماری ۶۵ تهیه شده است.
- ۵- اطلاعات - ۶۶/۱۹/۱۱
- ۶- ۷ و معاون وزارت کشاورزی - اطلاعات ۶۶/۱۰/۱۱
- ۷- ششمین اقتصادی اطلاعات - صفحه ۵ ۶۶/۹/۲۲
- ۸- ششمین اقتصادی اطلاعات - صفحه ۴ ۶۶/۹/۹
- ۹- اطلاعات - ۶۶/۱۲/۱۱
- ۱۰- ایران در آئینه آمار - صفحه ۶۲
- ۱۱- اطلاعات - ۶۶/۱۲/۱۱
- ۱۲- ایران در آئینه آمار - صفحه ۸۵
- ۱۳- ششمین اقتصادی اطلاعات - صفحه ۱۲ ۶۶/۳/۱۲
- ۱۴- همان - صفحه ۷
- ۱۵- همان - صفحه ۱۶
- ۱۶- ایران در آئینه آمار - صفحه ۱۳
- ۱۷- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۶۴ بانک مرکزی - صفحه ۷۳
- ۱۸- ریس کل سابق بانک مرکزی - اطلاعات - ۶۶/۹/۱۷
- ۱۹- ملاقات نمایندگان مجلس - اطلاعات ۶۶/۱۱/۲۹
- ۲۰- ایران اقتصادی - - صفحه ۷۷
- ۲۱- اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۵، صفحه ۱۱
- ۲۲- ایران در آئینه آمار - صفحات ۳۳ و ۳۵
- ۲۳- ایران در آئینه آمار - صفحه ۳۷
- ۲۴ و ۲۵ - بحران اقتصادی و اجتماعی جهان - فیلد کانتسرو - مترجم افشارضا نصرزاده - صفحات ۲۱ و ۲۲
- ۲۶- گزارش اقتصادی - - صفحه ۱۹۲
- ۲۷- وزیر برنامه و بودجه اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۲
- ۲۸- اطلاعات - ۶۶/۱۱/۹
- ۲۹- ملاقات مجلس - اطلاعات - ۶۶/۹/۴
- ۳۰- بررسی تحولات اقتصادی کشور - بانک مرکزی - صفحه ۱۷۲

- ۳۱- همان - صفحه ۱۸۶
- ۳۲- ششمین اقتصادی اطلاعات - صفحه ۱۳ ۶۶/۹/۱۳
- ۳۳- ماهنامه صنعت حمل و نقل - شماره ۲۳ - صفحه ۶